



شطرنج اضافه کنی، آن شخصیت
چه بود؟

باب اسفنجی، پاتریک و آقای
خرچنگ.

● به جز شطرنج چه کارهایی را
دوست داری انجام بدهی؟

دوست دارم نقاشی بکشم و موسیقی
گوش کنم.

● بیشتر چه نقاشی هایی می کشی؟



یک خانه می کشم که داخلش یک دختر و پسر نشسته اند.

● اگر خودت مهره شطرنج بودی دلت می خواست کدام مهره باشی؟ چرا؟
وزیر. چون از همه قوی تر است و می تواند همه کار بکند. یک شعر هم درباره اش
بلدم.

● آن شعر را برای ما می خوانی؟

«وزیرم و وزیرم / قوی و مثل شیرم / هم فیلم و هم رُخم / تو مهره ها من مُخم».

● دلت می خواهد تا چه موقع شطرنج را ادامه بدهی؟

تا روزی که استاد بزرگی بشوم و بتوانم به بقیه آموزش بدهم. البته الان هم به
همکلاسی های مهدکودکم یاد می دهم.

● چه آرزوهایی برای آینده ات داری؟

آرزوهایم خیلی زیاد هستند. دوست دارم همیشه اول باشم و تعداد جوایز، جام ها
و مدال هایم را به عدد ۱۰۰ برسانم. به عنوان کوچک ترین شطرنج باز جهان مدرک
بین المللی بگیرم و هرچه زودتر رکورد کوچک ترین استاد جهان را بزنم.

